

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۲

جلسه پنجم - شنبه ۹۲/۷/۶

#### اشاره‌ای به بیان امام علیه السلام در انحلال علم در اقل و اکثر ارتباطی

چنانچه از *انوار الهدایة* و *تهذیب الأصول* برمی‌آید اکتال حضرت امام علیه السلام بر همان بیانی است که محقق اصفهانی ذکر کرده‌اند. حضرت امام در *انوار الهدایة* که به قلم ایشان است با ذکر چهار مقدمه<sup>۱</sup> براءت عقلیه در اقل و اکثر ارتباطی را اثبات می‌کنند.

در مقدمه‌ی اول سعی در تبیین این معنا دارند که مرکب اعتباری، صورتی غیر از صورت اجزاء دارد و چنین نیست که مرکب اعتباری مجموعه‌ای از صور باشد.

و در مقدمه‌ی دوم تلاش دارند تا بیان کنند تحصیل مرکب در ذهن امر و مأمور چگونه است و به گونه‌ای حیثیت روان‌شناختی فلسفی بحث را توضیح می‌دهند که البته تأثیر سرنوشت سازی در اصل مطلب ندارد.

در مقدمه‌ی سوم که جوهره‌ی استدلال ایشان را در بر می‌گیرد بیان می‌کنند در اقل و اکثر ارتباطی، امری واحد وجود دارد که دارای یک متعلق است و اجزاء مرکب متعلق امر نمی‌باشند؛ زیرا اجزاء شیئیته ندارند و امر اجزاء را مورد غفلت قرار می‌دهد و این اجزاء فانی در صورت مرکب هستند، پس به هیچ وجه

۱. انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، ج ۲، ص ۲۷۹:

«تنقیح البحث یتوقف علی بیان مقدمات: الأولى: أنّ وزن المركبات الاعتبارية فی عالم الاعتبار من بعض الجهات وزان المركبات الحقيقية فی الخارج فإنّ المركب الحقيقي إنّما يحصل بعد كسر سورة الأجزاء بواسطة التفاعل الواقع بينها...».

✓ و ر.ک. تهذیب الأصول، ج ۳، ص ۲۹۱.

امر ندارند، در عین حال امر متعلق به مرکب، داعی به اتیان اجزاء نیز می‌باشد و حجّت بر مرکب، حجّت بر اجزاء نیز هست؛ به دلیل آنکه مرکب همان اجزاء است به لحاظ وحدت و اضمحلال.

مرحوم امام در مقدمه‌ی چهارم بیان می‌کنند که حجّت بر مرکب، حجّت بر اجزاء معلومه است نه بیش از آن. بنابراین اقل دارای حجّت است و اکثر مورد براءت است.

### مناقشه در مقدمه‌ی سوم

به نظر ما اجزاء مغفول‌عنها نمی‌باشند. گرچه در مرکبات اعتباریه صورت مورد نظر است اما صورت مرکب چیزی جز صورت اجزاء بالأسر با قید انضمام نمی‌باشد و اینکه اجزاء مورد غفلت باشد وجداناً مورد پذیرش نیست. کسی که خانه‌ای را تصور یا امر به آوردن معجونی می‌کند که مرکب بما هو مرکب مورد امر است، لفظ مرکب به معنای عدم غفلت از اجزاء است، هرچند توجه به اجزاء ضمنی است نه اضمحلالی؛ زیرا اگر بگوییم اجزاء مضمحل می‌شود نتیجه آن خواهد شد که این اشکال وارد می‌شود که اقل غیر از اکثر است و امر دائر بین متباینین است.

بنابراین اجزاء مورد نظر است و عنوان کلی و امر به کل به اجزاء پخش شده است و تا محدوده‌ی خاصی می‌دانیم این کل منبسط شده است و اینساط عنوان و در نتیجه امر به بیش از آن حدّ مورد شک است که مجرای براءت است.

### بیان دیگری متخذ از امام خمینی علیه السلام بر عدم منجزیت علم اجمالی در اقل و اکثر<sup>۱</sup>

در مسائل علم اجمالی روشن است که زمانی علم اجمالی منجز است که تمام اطراف آن قابل تنجیز باشد، بنابراین اگر بعضی اطراف علم اجمالی به گونه‌ای باشد که قابل تنجیز نباشد آن علم اجمالی فاقد اثر خواهد بود. مثلاً اگر کسی علم اجمالی داشته باشد که یا باید یک لیوان آب بنوشد و یا وزنه‌ای دو تُنی را با دست خود بردارد، این علم اجمالی فاقد اثر است؛ زیرا یک طرف آن غیر مقدور است و قابل تنجیز نیست

---

۱. انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، ج ۲، ص ۳۰۲.

مضافاً إلى أن العلم الإجمالی إذا كان بعض أطرافه مجهول العنوان بحيث لا یندفع فی ذهن المکلف أبداً لا یكون منجزاً، فإنّ تنجیزه متوقف علی إمكان الباعثیة علی أی تقدیر، أی فی أی طرف من الأطراف، و إذا كان بعضها مجهول العنوان لا یمكن البعث نحوه.

و ما نحن فیہ كذلك، فإنه ما من تکلیف من التکالیف المركبة إلاً و یحتمل أن یكون له جزء دخیل فی سقوط الغرض یكون مخفیاً عنّا لعدم العثور علی دلیله، فمن الممكن أن یكون للصلاة جزء أو شرط آخر لم یصل إلینا و یكون دخیلاً فی سقوط الغرض، فالعلم بأن الغرض إمّا قائم بالأقلّ أو الأكثر، أو هو مع شیء آخر لا نعلمه، لا یمكن أن یكون منجزاً.

و علم به تکلیف فعلی علی کل تقدیر حاصل نمی‌شود.

حال اگر یکی از اطراف علم اجمالی مجهول‌العنوان باشد به گونه‌ای که به هیچ وجه آن عنوان به ذهن مکلف خطور نکند، آن علم اجمالی نیز منجز نیست؛ زیرا نسبت به طرف مجهول‌العنوان باعثیتی ندارد و به دلیل آنکه مکلف نمی‌تواند مجهول مطلق را تحصیل کند.

ما نحن فیه نیز از این قبیل است؛ زیرا اکثر (جزء مشکوک زائد) می‌تواند متعدد باشد و مثلاً احتمال وجود دارد که یا نماز نه جزئی واجب است یا نماز چهارده جزئی، ولی جزء دهم تا چهاردهم آن اصلاً به ما نرسیده است و تمام روایات مربوط به آن از بین رفته باشد و در بسیاری از مرگبات شرعیه چنین احتمالی وجود دارد، در این شرایط اطاعت آن مرگب چگونه ممکن است؟! چه چیزی و چه جزئی را باید اتیان کرد؟! این موارد قابل احتیاط نیست، لذا یا باید در کل واجب برائت جاری کنیم و یا به اقل اکتفا شود. اگر برائت جاری شود به معنای سدّ باب اطاعت است؛ زیرا در بسیاری از واجبات مرگبه این احتمال وجود دارد، همچنین احتیاط نیز ممکن نیست و اکتفاء به اقل همان انحلال علم اجمالی مذکور است.

باید توجه داشت اصل این بیان توسط امام خمینی علیه السلام در مبحثی دیگر ارائه شده است، اما در اینجا نیز قابل استفاده است.

و می‌توان به این بیان اضافه کرد که اگر احتیاط در هر اقل و اکثری واجب باشد معنایش آن است که حتّی در مواردی که عنوان مجهول نیست، ممثّلین دچار مشکل در اطاعت می‌شوند؛ زیرا هر کسی می‌تواند این احتمال را ایجاد کند که مثلاً در نماز صبح باید سوره‌ی بقره اتیان شود یا نظیر آن ... و با این احتمالات لم یبق حجر علی حجر و از اینجا کشف می‌کنیم که در این موارد برائت جاری می‌شود.

### **نقد و بررسی بیان اخیر متّخذ از کلام امام خمینی علیه السلام در اجرای برائت در اقل و اکثر**

اصل این مطلب صرف‌نظر از واقعیات خارجی درست است و محاذیری که بیان شد یعنی عدم امکان اطاعت و امتثال یا غیر قابل تحمّل شدن واجبات ترکیبیه صحیح است، اما قطع وجود دارد که غیر از اجزاء معروفه چیزی جزء واجبات نیست و در بعضی موارد دلیل لفظی بر عدم شرط و جزء زائد وجود دارد و عند الشک می‌توانیم به دلیل اجتهادی رجوع کنیم.

به عنوان مثال اگر کسی شک کند آیا غیبت نیز مبطل صوم است یا خیر، اگر احتیاط را در این واجب ارتباطی لازم بدانیم لامحاله صائم باید از غیبت نیز اجتناب کند، اما راهی وجود دارد که حتی بنابر وجوب

احتیاط در واجب ارتباطی (أقل و أكثر) لازم نیست در مورد غیبت احتیاط کنیم؛ زیرا دلیل اجتهادی قریب به این معنا وجود دارد که «من اجتنب الأكل و الشرب و الجماع فقد صام»<sup>۱</sup>، اطلاق این دلیل شامل صائمی که غیبت کند نیز می‌شود.

آری، اگر دلیل تام‌السند و الدلالة اجتناب از امر دیگری را واجب کند آن را اخذ خواهیم کرد، اما در موارد مشکوک لازم نیست به براءت شرعی تمسک کنیم، بلکه همین اطلاق أدله‌ی اجتهادی در نفی اجزاء زائده کفایت می‌کند. در صلاه، حج و ... نیز چنین است؛ یعنی یا دلیل اجتهادی وجود دارد و یا اطمینان وجود دارد که موارد مشکوک جزء نماز نیست و کار به استفاده از براءت نمی‌رسد.

بنابراین وجه مذکور در عالم تصور نیکوست، اما در مقام عمل مورد ابتلاء نخواهد بود؛ زیرا راه برون‌رفت از مشکلات وجود دارد و احتمال نمی‌رود که چیزی مجهول‌العنوان واجب باشد که مقدر نیست.

## بیان‌هایی بر لزوم احتیاط

اکنون نوبت بررسی بیان‌هایی است که به نوعی می‌تواند اشکال بر جریان براءت یا بیانی بر وجوب احتیاط در أقل و أكثر ارتباطی باشد که به مهم‌ترین آنها اشاره خواهیم کرد.

### بیان اول

مورد اتفاق است که در أقل و أكثر ارتباطی، أقل واجب و لازم‌الاتیان است و طبق قاعده، اشتغال یقینی مستلزم براءت یقینی است و در ما نحن فیه اگر مکلف أكثر را اتیان کند یقین به براءت حاصل می‌شود، ولی اگر أقل اتیان شود تنها احتمال امتثال می‌رود؛ زیرا با آوردن أقل اگر أقل واجب نفسی باشد امتثال رخ داده است، اما اگر أقل واجب ضمنی باشد امتثال نشده است؛ زیرا أقل بدون اتیان اجزاء اضافی کالعدم است؛ به دلیل آنکه در واجب ارتباطی با نیابردن کوچک‌ترین جزء، فاقد اثر خواهد بود. بنابراین در ما نحن فیه تحصیل براءت یقینی مستلزم اتیان أكثر است، پس احتیاط لازم و واجب است.

### پاسخ بیان اول

درست است که أقل واجب است و ذمه‌ی مکلف به آن مشغول است، اما باید دید ذمه‌ی مکلف به چه

---

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ ثَلَاثَ [أربع] خِصَالِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ النَّسَاءِ وَ الْإِرْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ. (وسائل الشيعة، ج ۱۰، كتاب الصيام، أبواب ما يمسك عنه الصائم، باب ۱، ح ۱، ص ۳۱)

اندازه مشغول شده است. بیان کردیم از آنجا که یا اقل واجب نفسی و یا واجب ضمنی است، بنابراین آنچه بر ذمه می‌آید وجوب جامع بین نفسی و ضمنی است. این جامع قطعاً خاصیت وجوب نفسی و ضمنی به تنهایی را ندارد، پس با اتیان اقل در هر صورت، وجوب جامع ساقط خواهد شد؛ زیرا بیش از جامع به ذمه نیامده بود و لذا برائت یقینی حاصل می‌شود و لامحاله جای کاربرد قاعده‌ی اشتغال یقینی که مستلزم فراغ یقینی است، نخواهد بود.

مقرر: سید حامد طاهری